خبر

لغو جشنواره‌های بین‌المللی در همبستگی با فلسطین

جنایات رژیم صهیونیستی موجب شد تا جشنواره فیلم اجیال، جشنواره فیلم ال‌گونای مصر، جشنواره فیلم دوحه در قطر، مراسم جوایز ام‌تی‌وی، جشنواره فیلم کارتاژ تونس و چهل و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم قاهره به‌دلیل کشتار مردم غزه لغو شود.

جشنواره و بازار فیلم قاهره که قدیمی‌ترین رویداد سینمایی در خاورمیانه و آفریقاست در اینستاگرام با انتشار یک بیانیه اعلام کرد این دوره جشنواره برگزار نمی‌شود. در این بیانیه آمده: وزیر فرهنگ تصمیم گرفت تا چهل و پنجمین دوره جشنواره را به تعویق بیندازد. جشنواره بین‌المللی فیلم قاهره قرار بود از ۲۴ آبان تا ۳ آذر برگزار شود و تاریخ جدید جشنواره بعدا تعیین خواهد شد.

اما دفتر مطبوعاتی جشنواره قاهره پس از آن تصریح کرد این تعویق به معنای لغو عملی آن است. این در حالی است که مصر در بحبوحه بمباران مناطق مسکونی توسط رژیم صهیونیستی با مهاجرت دسته جمعی فلسطینی‌ها از نوار غزه به شبه جزیره سینا روبه‌رو شده است.

حمله‌های مداوم رژیم اشغالگر قدس به غزه، مصر را بر آن داشته که از رژیم صهیونیستی بخواهد به جای تشویق فلسطینی‌ها به فرار از جنوب غربی به سمت سینا، گذرگاهی امن برای غیرنظامیان از غزه فراهم کند.



درنگ

علی رستگار | گروه فرهنگ و هنر

ناخنک زدن به چشم و چارژانر

مرد جوانی صندوقچه‌ای را از دریا خارج می‌کند. در ساحل و روی صخره‌ها زنی نقابدار و شمشیر بر دوش، انتظار او را می‌کشد. از این فضای ماجراجویانه بلافاصله وارد قطار می‌شویم و می‌بینیم که زن صندوقچه را به دست آورده، حالا باید خودش را از دست مرد در امان نگه دارد. مرد در راهروی قطار ظاهر می‌شود و به سمت زن حمله می‌کند، زن تفنگش مسلح و آماده شلیک می‌شود اما ادامه ماجراجویی را داخل تونل و در فضای شهری می‌بینیم، جایی که مرد جوان موتورسوار به زنی که پشت فرمان یک اتوموبیل نشسته، شلیک می‌کند و...

این تصاویر جذاب، خوش و آب و رنگ، مهیج و خوش ریتمی که ذکر آن رفت، بخش‌هایی از تیزر چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران است. راستش دیدن چنین آنونسی که در لوکیشن‌های مختلف روایت می‌شود و اشاره‌ای به تنوع ژانری دارد، توقع مخاطبان را از این رویداد بالا می‌برد اما متاسفانه مواجهه با فیلم‌های بخش داستانی جشنواره، حکایت دیگری دارد و چندان نشانی از جذابیت، هیجان و پویایی تصاویر تیزر را در خود آثار نمی‌بینیم.

اگر در دوره قبلی بحث تنوع ژانری فی‌نفسه اهمیت پیدا می‌کرد و فارغ از کیفیت، کمیت حضور آثار ژنریک در اولویت قرار داشت اما این بار باید درباره گوناگونی ژانری توقعات را کمی بالاتر برد و نسبت‌شان با مختصات ژانرها را بررسی، تجزیه و تحلیل کرد و مورد قضاوت و آسیب‌شناسی قرار داد. در دو روز جشنواره و با تماشای حدود ۳۰ فیلم داستانی بخش سینمای ملی، با آثاری روبه‌رو بودیم که اغلب آنها بیشتر نامی از ژانر را در شناسنامه یدک می‌کشیدند اما در عمل نمی‌توان چنین ناخنک زدن‌هایی را منتسب به ژانر موردنظر و مورد ادعای



فیلمساز و مدیران جشنواره دانست. از این رو به عنوان مثال دیدن کابوس مدام یک دختربچه، فیلمی را مستعد قرارگرفتن در ژانر راز آلود و وحشت قرار نمی‌دهد، همان‌طور که تردیدهای یک نوجوان برای انتقام، شایسته دسته‌بندی در تریلر نئونوآر نیست. چنین برداشت‌های سطحی و درحد اسم از ژانرها، بیشتر سوءاستفاده از ژانر به نظر می‌رسد و این گمان را می‌بریم که با ویترینی صرفا خوش‌رنگ و لعاب از ژانر روبه‌روهستیم، درحالی‌که واقعا آن جنس و برند تبلیغ و رونمایی‌شده در ویترین، نشانی از کیفیت آگهی‌شده ندارد.

فارغ از نکته گستردگی فیلم‌ها و فیلمسازان از مناطق مختلف کشور که جزو امتیازات جشنواره است، از بحث تنوع بومی و اقلیمی هم آنچنان که باید در فیلم‌های این رویداد بهره برده نشده، به طور مثال دو تا از فیلم‌هایی که از شمال و جنوب کشور در بخش داستانی حضور دارد، جز بحث زبان و گویش نه چندان نشانی از هویت فرهنگی افراد این مناطق دارد و نه از چشم‌انداز جغرافیایی آنجا استفاده درست، زیبایی‌شناسانه و دراماتیکی می‌شود. به‌جز مواردی تکنیکی چون میزانسن، دکوپاژ و بازی‌ها و بخش‌های فنی دیگر فیلم‌ها که نیاز به تحلیلی جدی و مصداقی دارد، به مورد مهم روایت کوتاه، خلاقانه و خوش‌ضرباهنگ این فیلم‌ها می‌رسیم. خیلی حرف است که مخاطب موقع تماشای فیلم کوتاه مدام به ساعتش نگاه کند و خواهان سپری شدن زمان ناچیز و چند دقیقه‌ای آن باشد اما بیشتر فیلم‌های به نمایش درآمده در دو روز اول جشنواره، در کمال تعجب موفق به این کار شده‌اند. جاذبه غیرنیوتونی، سربسته، اذان صبح به افق یزد، لاری، صونا، شریف و مدیر مدرسه، از جمله فیلم‌هایی است که باوجود برخی کم و کاستی‌ها، روایت‌های خوش‌ریتم و قابل تاملی در مختصات فیلم کوتاه دارد.

نگاهی به «ستاره بازی» ساخته هاتف علیمردانی

واقعیتی که باور پذیر نیست



سید محمد سلیمانی
گروه فرهنگ و هنر

«ستاره بازی» بر اساس یک رویداد واقعی ساخته شده‌است. در آغاز فیلم به این موضوع مهم اشاره می‌شود و مخاطب خود را آماده می‌کند با دنیای واقعی شخصیت‌های اثر همراه شود. اما هرچه از زمان فیلم می‌گذرد به جای این‌که مخاطب به دنیای واقعی مورد نظر فیلمساز نزدیک‌تر شود، از آن فاصله می‌گیرد و دست آخر با یک جور شخصی‌سازی دنیای واقعی پیرامون شخصیت اصلی فیلم و اطرافیانش روبه‌رو می‌شویم که در واقع روایتی است هذیان‌گونه از زبان صبا شخصیت اصلی فیلم، که بر اساس پیام‌های صوتی و تصویری او برای روانکاوش شکل گرفته‌است. در واقع فیلم بیان‌کننده چیزهایی است که صبا گفته و ثبت کرده و برای روانکاوش فرستاده‌است؛ از آغاز تا فرجام قصه.

فرعی‌های بلاتکلیف

فیلم در نگاه کلی به عنوان یک درام روانکاوانه، ابزار و مصالح بسیاری برای تبدیل شدن به فیلمی جاندار و تاثیرگذار درباره اعتیاد و مهاجرت داشته‌است؛ ولی این اتفاق به دلایلی که در ادامه به آنها اشاره می‌کنم، رخ نداده‌است.

ستاره بازی از یک سو روی مشکل خانوادگی صبا در نوجوانی و جوانی، ماجرای کم‌بینایی و بعد اعتیادش تاکید دارد و از سوی دیگر موضوع مهاجرت و تبعاتش هم در سراسر اثر مطرح است و در نهایت تلفیقی از هر دو موضوع قرار است جذابیت‌های دراماتیک مورد نیاز برای جذب مخاطب را ایجاد کند. ولی از آنجا که فیلم به نوعی زبان حال صبا است و دوربین علیمردانی بیشتر روی جزئیات زندگی او به ویژه موضوع اعتیادش متمرکز شده، سایر شخصیت‌ها و موضوع‌ها گویی در جاهایی به کلی فراموش می‌شود. شخصیت روانکاو با بازی علی مصفا هم که در واقع مشوق اصلی صبا برای برقراری ارتباط صوتی و تصویری با دنیای پیرامونی‌اش است و امکان به تصویر کشیده شدن زندگی صبا را فراهم می‌کند، پرداخت دقیق و تاثیرگذاری ندارد. در بیرون از رابطه صبا و روانکاو، شخصیت پدر، مادر طلاق گرفته، همسایه آمریکایی خانواده و ... حضور دارند و قرار است فضای مهاجرت را بسازند. این ارتباط‌ها که می‌توانست نقش بسیار موثر و عمیقی در پرداخت شخصیت صبا و قابل باور شدن او به عنوان یک شخصیت واقعی ایفا کند، به دلیل پرداخت ضعیف شخصیت‌های فرعی به سرانجام تاثیرگذاری نمی‌رسد. حتی کایلا، دوست صمیمی صبا هم که به واسطه حضور در صحنه تصادف صبا با دوچرخه‌سوار، می‌توانست یکی از شخصیت‌های مهم و کلیدی اثر باشد، صرفا به عنوان یک تکیه‌گاه روحی برای صبا معرفی می‌شود.

وقتی پرداخت سطحی و فاقد عمق فیلمساز به موضوع مهاجرت نمایان می‌شود مشکلات فیلم در پرداخت تاثیرگذار شخصیت‌ها و وقایع، ابعاد بیشتری پیدا می‌کند

والدین صبا به واسطه اختلافاتی که خیلی هم ماهیت روشن و پرداخت شده‌ای ندارد، از هم جدا می‌شوند و همین منطق ضعیف جدایی، رابطه صبا و پدر و مادرش را هم در هاله‌ای از تردید و سوال‌های بی‌پاسخ قرار می‌دهد. دقیقا به همین دلیل وقتی مادر از چرخه زندگی روزمره صبا خارج می‌شود- اگرچه نه به طور کامل- حضور پدری که هنوز شناخت درستی از او و رفتارهای عجیب و چندگانه‌اش در محیط کار و خانه به ویژه در برخورد با صبا نداریم، اضافی و گاه ملال‌آور به نظر می‌رسد.

شخصیت متزلزل و ناکارآمد پدر که فقط توانسته شغلش را نزد صاحبکار ایرانی ثروتمندش حفظ کند، در برخورد با دختر رنج‌دیده‌اش در آن شرایط بحرانی، منطقی و پرداخت‌شده نیست.

مستند داستانی

در این قصه واقعی، شخصیت اصلی ماجرا دختری به نام صباست که به چند نوع مخدر قوی و خطرناک اعتیاد دارد و این، همه ماجرا نیست. او به نوعی فرزند طلاق هم هست و باز از سوی دیگر باتبعات مهاجرت هم روبه‌روست؛ بنابراین فیلمساز در مواجهه با چنین قصه‌ای فقط با یک شخصیت مرکزی مواجه نیست که همه تمرکزش را روی تنهایی‌های او، کابوس‌هایش و موضوع اعتیاد بگذارد. اگر قرار بود شاهد چنین شخصیت و پرداختی باشیم، فیلم ستاره بازی می‌توانست در اندازه‌های یک مستند داستانی دیدنی هم طراحی شود که اتفاقا شاید فیلم تاثیرگذارتری هم از کار درمی‌آمد. اما وقتی این فیلم می‌خواهد در کنار پرداختن به دنیای ذهنی و واقعی صبا، به عوالم پیرامونی او هم بپردازد و موضوع طلاق و مهاجرت را هم پیش بکشد، کار برای فیلمساز بسیار دشوار می‌شود؛ چون از عهده دراماتیزه کردن این فضا برنمی‌آید، فیلم میان چند دنیا معلق می‌ماند.

نگاهی که جامع نیست

هاتف علیمردانی همه سرمایه تکنیکی‌اش را در عرصه کارگردانی روی به تصویر کشیدن دنیای شخصی صبا گذاشته حتی تا اندازه‌ای که به نوعی فاصله‌گذاری هم شبیه شده‌است، به کابوس‌های ناشی از ترس صبا از خفگی می‌پردازد و دوربینش بیشتر روی تنهایی‌های او و مصرف مواد متمرکز است. حتی شخصیت خزاعی، صاحبکار پدر صبا یا به قول خودش بابا لنگ دراز قصه، می‌توانست در خدمت پرداخت بهتر شخصیت صبا، به عنوان یکی از پیامدهای مهاجرت برای نسل صبا و حتی پدر و مادرش باشد؛ ولی این موضوع هم پرداخت و سامان درستی ندارد. در حالی که ارتباط خزاعی و صبا در کنار مسأله طلاق والدین او، خودش به تنهایی می‌توانست یکی از ارکان درام اثر بر اساس زندگی واقعی صبا، حرف‌ها و پیام‌هایش برای روانکاو باشد. نگاه جامع فیلمساز در این مقطع می‌توانست ناجی فیلم باشد.

در یک قدمی عبور از کلیشه

در روند درگیری صبا با اعتیاد و آدم‌های اطرافش در جاهایی به نظر می‌رسد که او توانسته بر انبوه مشکلات ذهنی و جسمی‌اش غلبه کند. تغییر رفتار ناگهانی او با پدر در مقاطع مختلف، نواختن ساز، دویدن و قدم زدن در شرایط عادی و... ، صبا را در یک قدمی دور شدن از یکنواختی و پرداخت کلیشه‌ای قرار می‌دهد. اما آنچه باعث این تغییرات می‌شود و بعد دوباره صبا را به مسیر قبلی برمی‌گرداند، جلوه ملموس و قابل باوری در متن اثر ندارد. به ویژه زمانی که تصور می‌کنیم رفتار مهربانانه پدر باعث ایجاد تغییرات مثبت در شخصیت صبا شده‌است، در مدتی کوتاه به واسطه نامتعادل بودن رفتارهای پدر و عبور او از کنار اتاق مخفی صبا در محل کار خزاعی، عکس این مسأله به اثبات می‌رسد. وقتی همه اینها به پرداخت سطحی و فاقد عمق فیلمساز به موضوع مهاجرت و صرفا طرح موضوع جدایی پدر و مادر صبا بی‌آن‌که بدانیم چه چیزی عامل اصلی جدایی آنها و ازدواج مادر- راحله- با پسرخاله و در واقع صاحبکارش است، اضافه می‌شود، مشکلات فیلم در پرداخت تاثیرگذار شخصیت‌ها و وقایع، ابعاد بیشتر و تازه‌تری پیدا می‌کند.

خط اصلی معیوب

در کنار همه اینها، خط روایی اصل قصه هم فیلم را از ابتدا با مشکلی اساسی روبه‌رو می‌کند. اتفاقاتی که بعد از حضور صبا و کایلا در مراسم هالووین رخ می‌دهد و صبا پس از تصادف با یک دوچرخه سوار، پیکر مجروح او را نادیده می‌گیرد و می‌گریزد، از همان ابتدا می‌توانست همه رفتارها و رفت و آمدهای صبا و کایلا را تحت‌الشعاع قرار دهد و آن دو را به عنوان شخصیت‌های فراری که خیلی هم وقت و امکانی برای با هم بودن و مصرف مواد مخدر و حضور در انظار ندارند، مطرح کند. این در حالی است که در جاهایی باز هم موضوع اعتیاد، طلاق و مهاجرت باعث می‌شود این اتفاق مهم و تاثیرگذار، یعنی تصادف صبا و تحت تعقیب بودنش به کلی فراموش شود. یعنی یکی از دلایل آشفتگی روحی و ذهنی صبا که می‌توانست همین تصادف و گریز پس از آن باشد، در متن اثر منطق درستی ندارد و این و موارد مشابهی از این دست در سراسر اثر، واقعیت‌هایی است که باور نمی‌شود. ستاره بازی می‌توانست با فیلمنامه‌ای که صرفا متکی به حضور نامتعادل صبا در سراسر اثر نباشد و نگاهی جامع‌تر به موضوع مهاجرت بیندازد، جایگاه بهتری در کارنامه علیمردانی و سینمای ایران داشته باشد.

نکته

درمذمت مهاجرت

«ستاره بازی» می‌خواهد فیلمی جهانشمول درباره اعتیاد، طلاق، مهاجرت و پیامدهای‌شان در یک خانواده ایرانی بر بستر رویدادی واقعی باشد. اما جذابیت‌های صبا، شخصیت اصلی که داستان واقعی زندگی‌اش را روایت می‌کند، همه ذهن فیلمنامه‌نویس و کارگردان را اشغال می‌کند و از همه توان تکنیکی خود برای نقب زدن به دنیای درونی صبا و دردهایش استفاده می‌کند، هنگامی که نوبت به شخصیت‌های فرعی می‌رسد، دیگر چیز قابل توجهی در چنته ندارد و به همین دلیل، فیلم در ساختن فضای پیرامون صبا و شخصیت‌هایش با مشکل مواجه و ارتباط فیلم با مخاطب قطع می‌شود.





قاب

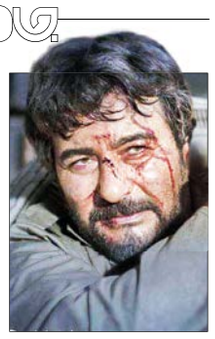
برای مظلومان غزه شمع روشن کنید



کمپین «آتش به پا کن» با نگاهی کاملا فرهنگی به دنبال اطلاع‌رسانی درباره فجایع اسرائیل در فلسطین و غزه است. علی پورمومن درباره برگزاری کمپین «آتش به پا کن» که به مدت سه شب در سه میدان اصلی شهر تهران برگزار شد، گفت: بعد از جنایت ارتش رژیم صهیونیستی در هدف قرار دادن بیمارستان المعمدانی غزه و به شهادت رسیدن ۱۰۰۰ نفر از کودکان دختر و پسر و زنان و دختران بستری در این بیمارستان به اتفاق جمعی از دوستان مستندساز تصمیم گرفتیم فیلم این جنایت را در سطح شهر تهران و در میادین اصلی شهر به نمایش بگذاریم تا مردم در جریان عمق فاجعه قرار بگیرند. بعد از آن به سه گروه تقسیم شدیم و هر گروه با آوردن ال سی دی‌ها و تلویزیون‌های شخصی خود به یک میدان، فیلم جنایت غزه را پخش کردیم و با روشن کردن شمع در کنار تلویزیون، مردم را نسبت به این اقدام حساس کردیم. این کمپین از ۲۶ تا ۲۸ مهر در سه میدان ولی‌عصر، انقلاب و فلسطین و خیابان پیروزی برگزار شد.

رویداد

«تردید» بهترین فیلم جشنواره ملی فانوس



فیلم کوتاه «تردید» به کارگردانی امیرحسین قدیری، نویسندگی فاطیما اباحمزه و تهیه‌کنندگی حسین شریف‌نیا موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم از هفتمین جشنواره ملی فانوس شد.

در این فیلم امیرحسین صدیق با عنوان بازیگر نقش اصلی به ایفای نقش پرداخته است.

سحر گلشیرازی، نجمه قانع، بدرالسادات برنجانی و علی عبادی دیگر بازیگران «تردید» هستند. برخی عوامل فیلم عبارتند از نویسنده: مدیر فیلمبرداری: عارف نامور، تدوین: نسیم همتی، طراح صحنه: محمدرضا امین زاد، آهنگساز: فرشاد مشفقی، طراح گریم: شهرام خلج، منشی صحنه: مبینا پورمند، مدیر تولید: کاوه رحمانی، مدیر پروژه: امیرحسین همتیان، عکاس و طراح پوستر: نسیم همتی، رنگ و نور: سینا سید عسگری و جلوه ویژه بصری: امین ملک زاده. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «همه چی از صبح روزی شروع شد که دکتر رضا صادق در عمل بیمارش تردید کرد». امیرحسین قدیری پیش از این تجربه ساخت فیلم‌های کوتاه «رامونا»، «حافظ»، «آتنا» و «مسلخ» را در مقام کارگردان داشته است. او همچنین فیلم کوتاه «باران» را نیز تهیه‌کنندگی کرده است./ صبا

جشنواره

«خانواده آقابابک» در ژاپن



فیلم کوتاه «خانواده آقابابک» به کارگردانی امین رضاعلی محمدی و تهیه‌کنندگی امین رفیعی به هفتمین دوره جشنواره شیبویا در ژاپن راه یافت. این جشنواره که از اول تا سوم دی در توکیوی ژاپن برگزار می‌شود، در بخش‌های فیلم کوتاه و بلند، موزیک ویدئو و سریال تلویزیونی پذیرش داشته است. دیگر عوامل فیلم کوتاه خانواده آقابابک عبارتند از نویسنده: سولماز اعتماد و امین رضاعلی محمدی، بازیگران: افشین حسنلو، توران رمضانی، عباس ایمان و... برنامه‌ریز و مجری طرح: توفیق حیدری، مدیر فیلمبرداری: مهدی ایل بیگی، مدیر تولید و تدارکات: امید چنگیزی و محمد چنگیزی، طراح صحنه: علی خیری، طراح لباس: امین رضا علی محمدی، طراح چهره‌پردازی: محمد سام کیانی‌فر، تدوین: شیدا گرجی، منشی صحنه: المیرا آزاد، مدیر صدابرداری: عباس ایمانی، طراح و ترکیب صدا: حامد حسین‌زاده، آهنگساز: هومن نامداری و آرمین اخلاقی، تصحیح رنگ و نور: فربد جلالی، عکاس: سجاد قلی پور، طراح پوستر: شایان شفابخش، گروه کارگردانی: کیان ساربان، علی محمد حسینی، میلاد شریفی./ ایسنا